

از کوچ فرعون تا رویای کاتالانی و شرط بقادر لندن شروع تابستان!

نازنین دشتی

هنوز سوت پایان فصل جاری به صدا در نیامده و تنور رقابت‌ها در مستطیل سبز داغ است، اما در راه‌های تاریک و پر هیاهوی نقل و انتقالات، طوفانی زود هنگام به پا شده است. مدیران، ایجت‌ها و سرسرمی‌بان پیش از آنکه جام‌ها بالای سر بروند، در حال چیدن مهره‌های شطرنج برای فصل آینده هستند. اخبار فاش شده از جلسات محرمانه نشان می‌دهد تابستان پیش رو فراست استن جوادت بزرگی باشد. گزارش‌های اخیر پرده از سه انتقال احتمالی برداشته‌اند که هر کدام می‌توانند معادلات فوتبال اروپا و آسیا را دستخوش تغییر کنند: از کوچ احتمالی یکی از بزرگ‌ترین نمادهای آنفیلد به خاورمیانه گرفته تا نقل برای پوشیدن بیراهن آبی وناری در اسپانیا و البته، انتقال مشروط یک کاپیتان باتجربه به تیمی در آستانه سقوط. در ادامه، سفری خواهیم داشت به قلب این شایعات داغ و جذاب. در بندر لیورپول، هوا همیشه ابری نیست، اما آینده محمد صلاح در آنفیلد در هاله‌ای از مه غلیظ فرو رفته است. ستاره ۳۳ ساله مصری که در حال سپری کردن ماه‌های پایانی قرارداد خود تا ژوئن ۲۰۲۶ است، ظاهراً چمدان هایش را برای سفری طولانی بسته است. هر چند هنوز بی‌تایید رسمی برای خداحافظی صادر نشده، اما صنادی قدیم‌های جدایی بیش از پیش به گوش می‌رسد و احتمال تمدید قرارداد به پابین ترین حد خود رسیده است. مقصد کجاست؟ عربستان سعودی، باشگاه النصر که در دو سال اخیر با جذب ابرستاره‌هایی چون کریم بنیتانو و نالدو، سادو مانه و ژائو فلیکس مرزهای جاه‌طلبی پروژه‌های کلان ورزشی عربستان را اجابه کرده، اکنون دست‌روی شاه‌های فوتبال آفریقا گذاشته است. ژرژ ژوسوس، سرمربی برتغالی و باتجربه النصر که سابقه درخشانی در ساخت تیم‌های هجومی در نیفیکا و ال‌هلال دارد، پس از بررسی‌های فنی دقیق چراغ سبز نهایی را برای شکار این ستاره نشان داده است. ایده ژوسوس برای هواداران النصر دیوانه‌کننده است، تصور کنید سرعت، تحرک و تمام‌کنندگی صلاح در کنار تجربه و قدرت گلزنی رونالدو قرار بگیرد؛ تر کبیعی که در سیستم‌های مبتنی بر انتقال سریع می‌تواند محسوس‌ترین خط حمله جهان را بسازد. مدیران النصر معتقدند که جذب صلاح تنها یک پیروزی تاکتیکی نیست بلکه یک زلزله تجاری و استراتژیک در جهان عرب خواهد بود. بافت الاتحاد به عنوان رقیب دیرینه در جذب او، به نظر می‌رسد فرش قرمز در ریاض برای پادشاه مصری پهن شده است. در سوی دیگر، لیورپول که به پایان یک عصر طلایی نزدیک می‌شود، آرام‌آرام خود را برای دوران پس‌اصلاح آماده می‌کند؛ دورانی که در آن دیگر خبری از فرعون‌نی که فاتح لیگ برتر و لیگ قهرمانان شد، نخواهد بود.



از ریاض به میلان و سپس بارسلونا، جایی که ارفائل لیاثو، ستاره ۲۶ ساله و سوئدی قلیش را جا گذاشته است. ایجت این وینگر برتغالی با یک بسته پیشنهادی ۵۵ میلیون یورویی (شامل پادشاه‌ها) به بارسلونا و بارسلونا رفته است. برای لیاثو، بارسلونا فقط یک تیم نیست، بلکه تجلی رویاهای کودکی اوست؛ جایی که به گفته خودش، تماشای فلسفه بازی و هنرنمایی لیونل مسی و زاوی در آن همواره برایش الهام بخش بوده است. خوان لا پورتا، رئیس بلنن پرواز بارسلونا، از تحسین کنندگان پروای قرص سبک بازی لیاثوست. با این حال، درهای توکمپ به این سادگی هاروی ستاره میلان باز نمی‌شود. مانع اصلی، دکو (مدیر ورزشی) و سیستم سخت‌گیرانه هانس فلیک است. سیستم بازی فلیک بر پایه پرس شدید و دوندگی بی‌امان در فاز تدافعی بنا شده است؛ در حالی که لیاثو بازیکنی است که بیشتر در موقعیت‌های انتقالی و فضاهای باز می‌درخشند و در ریمپ پرس سینگ مداوم، عملکردی نوسانی دارد. فلیک هنوز تصمیم‌نهایی خود را نگرفته اما منابع نزدیک می‌گویند او ترجیح می‌دهد روی گزینه‌هایی که باز یکنواختی نظیر فران تورس یا انسوفاتی فروخته نشوند، ورود لیاثو یک تلفخ اقتصادی محسوب می‌شود. تازه این در حالی است که میلان برای الماس خود حداقل ۷۰ میلیون یورویی خواهد به بسته ۵۵ میلیونی فعلی روی خوش نشان نخواهد داد.

در شمال لندن، تاتنهام در حال دست و پنجه نرم کردن با یکی از تاریک‌ترین فصل‌های تاریخ معاصر خود است. تیم با ۳۱ امتیاز در رده هجدهم جدول گیر افتاده و سایه شوم سقوط بر سر باشگاه سنگینی می‌کند. با این حال، روبرتو زربی، سرمربی سرطاب ایتالیایی، به جای تسلیم شدن، از همین حالا پروژه بازسازی تیم برای فصل آینده را کبیل زده است. بزرگ‌ترین صید زربیی کسی نیست جز اندرو رابرتسون، مدافع چپ ۳۲ ساله لیورپول. رابرتسون که این روزها در آنفیلد پشت سر میلوپس کر که یک تیمکت نشین تبدیل شده، باقراردادی دو ساله (تا ژوئن ۲۰۲۸) با بند تمدید تا ۲۰۲۹) و دستمزد قابل توجه ۸ میلیون پوند با تاتنهام در توافق کامل رسیده است. زربیی معتقد است حضور رابرتسون با سابقه ۱۷۲ بازی ملی و ۱۳۱ بازی در لیگ برتر، می‌تواند تعادل از دست‌رفته سمت چپ دفاع و نظم در خروج توپ را برگرداند و ذهنیت برنده را به رختکن بحران زده اسپرز تزریق کند. تمام این توفقات یک تبصره حیاتی و دراماتیک دارد؛ اگر تاتنهام در چهار هفته پایانی نتواند خود را از منطقه سقوط نجات دهد، این قرارداد به صورت خودکار فسخ خواهد شد. رابرتسون صرفاً اعلام کرده تاتنهام صورتی راهی تاتنهام می‌شود که این تیم در بالاترین سطح فوتبال انگلستان باقی بماند؛ در غیر این صورت، او به پیشنهاد سلتیک و دوپاشگاد دیگری خواهد کرد. اکنون سرنوشت این مدافع اسکاتلندی به ساق پای بازیکنان تاتنهام در چهار بازی آینده گره خورده است. فوتبال اروپا در آستانه تابستانی است که شاید مسیر بسیاری از باشگاه‌های بزرگ و ستاره‌های نامدار را برای همیشه تغییر دهد؛ تابستانی که از حالا گرمی آن در تیر اخبار حس می‌شود.

رویای دختران فوتبالیست ایران چگونه چهار سال به خواب زمستانی می‌رود؟ فاجعه!

نگار رشیدی

صدای سوت پایان بازی‌های جام ملت‌های آسیا ۲۰۲۶ در استرالیا هنوز در گوش دختران فوتبالیست ایرانی زنگ می‌زد. آنها در گروه مرگ ایستاده بودند، جنگیده بودند و با وجود پذیرش سه شکست پیاپی، برای دومین بار در تاریخ، نام ایران را در میان ۱۲ تیم برقراره کهن ثبت کرده بودند. وقتی هوا پیمای حامل کاروان تیم ملی زنان در فرودگاه تهران به زمین نشست، فلاش دوربین‌ها چشم را می‌زد. مسئولان فدراسیون فوتبال با بال‌خندهایی که پهنای صورت‌شان را پوشانده بود، در صف اول استقبال ایستاده بودند. وعده‌ها قطار شده بود؛ از مراسم تقدیر در شهرهای مختلف تا حمایت‌های همه‌جانبه برای آینده‌امادر همان لحظات بر زرق و برق یک ترس‌نپهان در دل ناظران و دلسوزان فوتبال وجود داشت؛ آیا این وعده‌های مهدی تاج و رفقا، پیش از خشک شدن عرق دختران ملی پوش به دست فراموشی سپرده نخواهد شد؟ حالا در اردیبهشت ۰۵، ۱۴۰۵ زمان به صریح‌ترین وبی‌رحمانه‌ترین شکل ممکن به این سوال پاسخ داده است. شاهکار جدید فدراسیون فوتبال روی پرده رفته و سناریوی آن، چیزی جز تخلیق خاموش و تعطیلی چهار ساله تیم ملی زنان نیست. هدفی که با خط زدن نام این تیم از کاروان اعزامی به بازی‌های آسیایی ناگویا کلید خورده است.

بازی‌های آسیایی همیشه میدانی برای تلاقی تجربه رقابت در بالاترین سطح‌قاره بوده است، برای تیم ملی زنان ایران که در مسیر نامهری رشد و توسعه قدم برمی‌دارد، حضور در آوردگاه ناگویا می‌توانست یک کلاس درس تمام‌عیار باشد. جایی که ۱۱ تیم حاضر در جام ملت‌های آسیا به اضافه هنگ کنگ در آن رقابت می‌کنند و تنه به تنه شدن با این قدرت‌ها، نتایج را بالا بردن کیفیت فنی تیمی است که تشنه بازی‌های اما ناگهان، آب پاکی روی دست همه

صدا سوت پایان مسابقات خیلی وقت است که در روز شگاه‌های ایران به گوش نمی‌رسد؛ سانسنگین درگیری‌ها و شرایط خاص کشور، فوتبال را به حاشیه‌های دور تر از پایانه جام جهانی ۲۰۲۶ به حالت تعلیق در آورده است. اما در سکوت وهم‌انگیز استادیوم‌ها، در ساختمان باشگاه استقلال طوفانی خاموش اما ویرانگر در جریان است؛ طوفانی که با صدای رسیدن چند ایمیل هشدار امیز به کار تابل مدیرعامل آغاز شد و حالا می‌رود تا شاکه اصلی تیم را از هم بپاشد.

ماجرا از همان روزهای ابتدایی آغاز تنش‌ها کلید خورد. آسمان بسته شد، پرواز به‌حالت تعلیق در آمدند و بازیکنان خارجی یکی پس از دیگری ایران را ترک کردند. حال که آتش بین برقرار شده و بی‌باقد دارند تمرینات آماده‌سازی خود را در غیاب ملی پوشان از سر بگیرند، جای خالی ستاره‌های وارثاتی به شدت احساس می‌شود.

مشکل اصلی اما بر خلاف همیشه خالی بودن خزانه باشگاه نیست. مدیران استقلال مدعی‌اند که یکی از بهترین‌ها را در میان تیم‌های لیگ برتری داشته‌اند و هیچ بدهی معوقه‌ای در کار نیست. حتی گفته می‌شود خارجی‌های تیم بیش از ۶۰ درصد مبلغ قرارداد خود را در یافت کرده‌اند. گره کور ماجرا، مسیرهای مسدود بانکی در شرایط جنگی است. پول در حساب باشگاه موجود است، اما هیچ راه امن و سریعی برای انتقال آن به حساب‌های بانکی بازیکنان در آن سوی مرزها وجود ندارد. این بین بستن مالی، حالا پهنه‌ای قانونی به دست بازیکنان داده تا برای تعیین تکلیف آینده خود دست به کار شوند. در میان نامه‌هایی که این روزها زیر بار اندام هواداران استقلال می‌اندازند، چهره‌های شاخصی به چشم می‌خورد. منیر الحدادی، ستاره سرشناسی که امیدواری‌هایی به‌شمار می‌رفت، به همراه دو کزن نازون، مهاجم هر دار اهل هائیتی و آنتونیو آدان، بار سال توپس‌های رسمی (خطاهای کتبی) خواهان روشن شدن وضعیت مالی خود شده‌اند. در میان این بازیکنان یک اولتیماتوم صریح نهفته است؛ اگر مطالبات در زمان تعیین شده پرداخت نشود، قرارداد به صورت یک‌طرفه فسخ خواهد شد. با این وجود، منابع نزدیک به باشگاه می‌گویند خطر جدایی الحدادی و نازون چندان جدی نیست. مدیران باشگاه در حال ریزنی‌های فشرده برای یافتن مسیرهای جایگزین انتقال پول هستند و به نظر می‌رسد این دو ستاره، با وجود دلخوری‌ها، در جمع آبی پوشان ماندنی بمانند.

آنچه این بحران را تشدید کرده، صرفاً مساله پول نیست؛ بازی بزرگ‌ترین تورنمنت فوتبالی جهان در میان است. دو کزن نازون و رستم آشورماتوف (مدافع از کیستانی) مسافران قطعی جام جهانی ۲۰۲۶ هستند. تعطیلی طولانی مدت لیگ ایران، آن هم در دست در ماه‌های منتهی به جام جهانی، برای آنها یک کابوس تمام‌عیار است.



می‌آید، دختران ایران به راحتی با چسب عدم شناس‌مدال به حاشیه رانده می‌شوند. اگر فکر می‌کنید فاجعه به انصراف از بازی‌های آسیایی ختم می‌شود، سخت در اشتباهید. شهابیت غزل ناکارآمدی فدراسیون، در بخش دیگری از مصاحبه خانم فریده شجاعی نهفته است؛ جایی که او با اعتماد به نفسی مثال‌زدنی از برنامه‌های آینده تیم ملی سخن می‌گوید: «به زودی رقابت‌ها برای انتخاب المپیک و رسیدن آغاز خواهد شد و تلاش ما این است که تیم ملی با برنامه‌ریزی دقیق در این مسابقات حاضر شود!» این جمله، برای هر کسی که حداقل آشنایی را با قوانین فعلی فوتبال زنان در آسیا داشته باشد، یک شوک ویرانگر است. بی‌پایید با هم ساختار مسابقات انتخابی المپیک ۲۰۲۸ لس‌آنجلس را مرور کنیم تا عمق فاجعه و ناآگاهی نگران‌کننده فوتبال زنان ایران مشخص شود. اول اینکه تنها هشت تیم برتر جام ملت‌های آسیا ۲۰۲۶ حق حضور در مسابقات انتخابی المپیک را دارند. دوم اینکه تیم ملی ایران در استرالیا به ششکست در مرحله گروهی حذف شد و جایی در میان ۸ هشت تیم برتر ندارد. از این آ هشتم تیم هم، دو تیم مستقیم‌بامه لس‌آنجلس می‌روند و بهترین تیم دوم مرحله گروهی برای یک پلی‌آف بین‌قاره‌ای به مصاف تیم ملی زنان آرژانتین خواهد رفت. نتیجه‌گیری ساده است: تیم ملی زنان ایران هیچ‌گونه فرصتی، شناسی و حتی امکانی برای حضور در مسابقات انتخابی المپیک ۲۰۲۸ ندارد!

اینکه نایب‌رئیس زنان فدراسیون فوتبال، روی صندلی مدیریت نشسته و از برنامه‌ریزی دقیق برای مسابقات حرف می‌زند که تیمش اصلاً در آن حضور ندارد، یک رسوایی تمام‌عیار مدیریتی است. این نشان می‌دهد سکان‌دار کشتی فوتبال زنان، حتی نقشه راه و تقویم مسابقات کنفدراسیون فوتبال آسیا (AFC) را یک‌بار هم مطالعه نکرده است. وقتی مدیر ارشد از الفبای مسیر پیش‌روی اطلاع است، چگونه می‌توان انتظار داشت که از حق دختران

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!



دوستانه در تقویم فیدایی نداشته باشند، از رده‌بندی جهانی خارج می‌کند. فوتبال زنان ایران پیش از این نیز طعم تلخ این سقوط و حذف از رنکینگ را به دلیل بی‌توجهی مدیران وقت چشیده است. حالا با توجه به سابقه تاریک فدراسیون فعلی، به مسابقات رسمی سر باز می‌زنند، حاضر بشوند برای برگزاری بازی‌های دوستانه تدارکاتی در فیدایی‌ها زهن بنه‌کنند. نتیجه؟ تقویم خالی، رنگ‌زدگی ساق‌های بازیکنان، و در نهایت پاک شدن نام ایران از جدول رده‌بندی فوتبال زنان جهان. این به معنای واقعی کلمه، یک تعطیلی چهار ساله و بازگشت به نقطه صفر است.

در روزهای گذشته، مسعود پزشکیان در مقام رئیس جمهور و احمد دنیامالی به عنوان وزیر ورزش و جوانان، در محافل مختلف صحبت‌های امیدوارکننده‌ای در خصوص حمایت از ورزش زنان و رفع تبعیض‌ها مطرح کرده‌اند. آنها از لزوم دیده شدن دختران ورزشکار و فراهم کردن بسترهای رشد برای آنان سخن گفته‌اند. اما امروز، زمان حرف زدن به پایان رسیده و وقت عمل است. تصمیم کمیته زنان و فدراسیون فوتبال در خصوص عدم اعزام خودروهو به کرده است. تیمی که بخش عمده‌ای از بازی‌ها و تاکتیکی خود را بر دوش این ستاره‌های وارثاتی گذاشته بود، حالا باید هم‌زمان با بلاک‌تلفی لیگ، راهی برای حفظ آنها پیدا کند. آیا ایمیل‌هایی که این روزها در کار تابل مدیرعامل جا خوش کرده‌اند، حکم پایان کار استقلال و امکان جذب جانشین وجود ندارد، از سوی دیگر حفظ بازیکنی که این چنین به این تیم برای ماندن ندارد و عملکرد فنی‌اش هم چنگی به دل نزنه، توجه منطقی ندارد. قرار است سرنوشت باغی میلیون دلاری به زودی در نشست مشاوران فنی باشگاه یک‌سر شود. خروج بازیکنان خارجی از ایران پس از آغاز درگیری‌ها و حالا ارسال توپس‌های سریالی، استقلال را با یکی از جدی‌ترین چالش‌های تاریخ

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! فاجعه! فاجعه! فاجعه!

فاجعه! ف